

childbearing as a dualism of risk and certainty: a qualitative study in Yazd city

Maliheh Alimondegari

Associate Professor of Demography, Faculty of Social Sciences, Yazd University.
m.alimondegari@yazd.ac.ir

Hajjieh Bibi Razeghi Nasrabad

Associate Professor in Demography, National Institute for Population Research
(Corresponding author).
hajjieh.razeghi@nipr.ac.ir

Abstract

Fertility in Iran and many provinces has reached low levels. Yazd province is one of the few provinces that experiences fertility above the replacement level (about 2.3 children) in recent years. The reasons for the higher fertility of this province have become important at both micro and macro levels. The main purpose of this study is to identify the interpretation and understanding of Yazdi women about having children. The approach of this research is qualitative. The participants were 25 married women from Yazd city, who were selected by purposeful and theoretical sampling. The data was collected during a period of 4 months from September to December 2017 using semi-structured interview tool. Data analysis was done with qualitative content analysis technique, and three holistic, selective and partial approaches were used to extract themes from the text. From the analysis of the collected data, the core category with the title "childbearing as a dualism of risk and certainty" was extracted, which is derived from the two main categories of "giving meaning and assurance and the risks of childbearing". The findings show that the economic, social and cultural background and religious values play a role in the fertility decisions of Yazdi women. Despite knowing and paying attention to the risk of having children, they consider it a source of security and good and blessing and family and religious values. This approach and people's understanding of having children has prevented them from becoming childless and having only one child. However, the continuation of this situation in the future depends on the socio-economic context of the country and the province, and the adoption of government policies and support for young couples and families and facilitating the conditions of marriage and childbearing will guarantee the continuation of these conditions.

Keywords: Fertility, Child Value, Risks, Population Policy, Yazd city.

فرزندآوری، دوگانه‌انگاری مخاطره و اطمینان:

مطالعه کیفی در شهر یزد^۱

ملیحه علی‌مندگاری

دانشیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه یزد. m.alimondegari@yazd.ac.ir

حجیه بی بی رازقی نصرآباد

دانشیار جمعیت‌شناسی، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hajjiih.razeghi@nipr.ac.ir

چکیده

باروری در ایران و بسیاری از استان‌های کشور به سطوح پایین رسیده است. در این میان استان یزد از معدود استان‌هایی است که در سال‌های اخیر باروری بالاتر از سطح جانشینی (حدود ۲/۳ فرزند) را تجربه می‌کند. در همین ارتباط دلایل باروری بالاتر این استان هم در سطوح خرد و هم کلان اهمیت یافته است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی تفسیر و درک زنان یزدی از فرزندآوری است. جهت جمع‌آوری داده‌های تحقیق از طرح تحقیق کیفی استفاده شد. مشارکت‌کنندگان ۲۵ زن متأهل یزدی بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند. داده‌ها طی یک دوره ۴ ماه از ابتدای شهریور تا پایان آذرماه ۱۳۹۷ با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختارمند جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها با کمک روش تحلیل محتوای کیفی انجام گرفت که برای بیرون کشیدن درون‌مایه‌ها از متن، از سه رویکرد کل‌نگر، انتخابی و جزءنگر استفاده شد. طی تحلیل‌های صورت گرفته از ۲۵ مصاحبه انجام‌شده، مقوله هسته با عنوان «فرزندآوری، دوگانه‌انگاری مخاطره و اطمینان» حاصل شده که از دو مقوله اصلی شامل تأملات معنا بخش و اطمینان‌آفرین و مخاطرات فرزندآوری احصاء شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که بستر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ارزش‌های مذهبی در تصمیمات باروری زنان یزدی نقش ایفا می‌کند. به‌رغم اطلاع و توجه به مخاطرات فرزندآوری، آن را مایه اطمینان و خیروبرکت و دارای ارزش خانوادگی و مذهبی می‌دانند. این رویکرد و درک افراد از فرزندآوری تاکنون مانع از تمایل آن‌ها به سمت بی‌فرزندگی، تک‌فرزندگی و باروری پایین شده است. باین‌حال تداوم این وضعیت ارتباط زیادی به بستر اقتصادی اجتماعی کشور و استان دارد و اتخاذ سیاست‌ها و حمایت‌های دولت از زوجین جوان و خانواده و تسهیل شرایط ازدواج و فرزندآوری تضمین‌کننده تداوم این شرایط خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: باروری، ارزش فرزند، مخاطرات، سیاست‌های جمعیتی، شهر یزد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۴، پیاپی ۴۵، اسفند ۱۴۰۱، صص ۴۰۳-۴۳۶

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان فهم زنان از چالش‌های فرزندآوری در استان یزد است که با حمایت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مرکز یزد انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

فرزند آوری یکی از مهم‌ترین اهداف شکل‌گیری خانواده است و اهمیت آن در ادبیات گوناگون مستند شده است. بر اساس شواهد موجود تقریباً اکثریت زوجین ایرانی قصد دارند پس از ازدواج صاحب فرزند شوند و نتایج پیمایش‌های متعدد حاکی از این است که درصد بسیار اندکی از ایرانیان بی‌فرزندگی را به‌عنوان بعد ایدئال باروری می‌دانند. به عبارتی داشتن فرزند برای بسیاری از خانواده‌های ایرانی دارای ارزش است و بی‌فرزندگی اولویتی برای افراد ندارد. لذا با توجه به اینکه در بستر فرهنگی جامعه ایران فرزند آوری اهمیت زیادی دارد، اکثریت افراد تصمیم برای پدر و مادر شدن را محقق می‌سازند. بر اساس داده‌های سطح خرد سرشماری سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ فقط ۳ تا ۵ درصد از زنان در گروه سنی ۴۴-۴۰ ساله، بدون فرزند باقی می‌مانند (رازقی نصرآباد و عباسی شوازی، ۲۰۲۰: ۲۱۳). این مهم یعنی فرزند آوری، در هویت بخشی زنانه از جایگاه برجسته‌تری نسبت به مردان برخوردار است. رفعت‌جاه در مطالعه‌ی خود در میان زنان ۲۵ تا ۴۵ ساله تهرانی، بانام «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مهم‌ترین رسالت و نقش زنان را در نقش (مادری) می‌یابد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۱۵۹).

علی‌رغم اینکه مادری هنوز برای هویت یک زن ضروری تلقی می‌شود، باین‌حال تغییرات در سطح باروری اخیر شواهدی به دست می‌دهند که نشان می‌دهد امروزه مادری، به‌تنهایی الگوی زندگی زنان را ترسیم نمی‌کند. نسل جدید، فرزند را مانع آسایش و هزینه‌بر می‌داند تمایلات باروری کمتر، نشانه آن است که زنان به اکتشافات جدیدی دست‌یافته‌اند؛ از جمله آنکه از محیط‌های کوچک خانوادگی‌شان بیرون آمده‌اند، تحصیل می‌کنند، در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی فعال هستند و هویت زنانه خود را در موقعیت‌های دیگری جستجو می‌کنند. به عبارتی تغییر نگرش زنان نسبت به ازدواج و نقش‌های همسری و مادری و حتی کار خانگی به وجود آمده است (حسینی و یگی ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۳۲).

باوجود همه نگرانی‌هایی که طی سال‌های اخیر در مورد تمایل اندک نسل جوان به فرزند آوری مطرح شده است، بررسی‌ها نشان می‌دهد فرزند آوری همچنان برای نسل جوان و نسل‌های پیش از آن دارای ارزش است. جوانان اگرچه فرزند آوری را در

بسیاری مواقع باعث افزایش بار مالی و فشار روحی و روانی بر والدین می‌داند، اما همچنان به ارزش عاطفی فرزند و فرزند آوری اذعان و تمایل به داشتن فرزند دارد. با وجود روند کاهش ارزش اقتصادی فرزند آوری، بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر خانواده‌ها در شرایط فعلی تمایل به داشتن دو فرزند دارند و هنجار دو فرزندگی به‌عنوان سبک زندگی جامعه کنونی ایران شکل گرفته است (رازقی نصرآباد و سرایی ۱۳۹۳: ۲۴۱-۲۴۵). طبق برآوردهای صورت گرفته توسط مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۹، میزان باروری کل کشور ۱/۷ فرزند است. بیست و چهار استان کشور، باروری زیر سطح جانشینی دارند. چهار استان باروری خیلی پایین کمتر از ۱.۵ و سه استان پایین‌ترین سطح باروری یعنی کمتر از ۱.۳ را تجربه کردند (مرکز آمار ایران ۱۴۰۰). در حالی که بسیاری از استان‌ها باروری پایین و برخی نیز خیلی پایین را تجربه می‌کنند استان یزد باروری بالاتر از سطح جانشینی و حدود ۲/۳ فرزند به ازای هر زن را دارا می‌باشد (فتحی ۱۳۹۹). هرچند میزان باروری کل استان یزد نسبت به کل کشور وضعیت مناسب‌تری را نشان می‌دهد، ولی تداوم این وضعیت مشخص نیست و باروری آینده تا حد زیادی در سطح خرد به نیت و رفتارها و تمایلات باروری زنان و زوجین و در سطح کلان به بستر اقتصادی اجتماعی فرهنگی جامعه بستگی دارد. شناخت دلایل باروری بالاتر استان یزد نیازمند مطالعه و بررسی اهداف و رفتارهای باروری افراد است. در این مطالعه تلاش شده است با به‌کارگیری رویکرد کیفی شناخت عمیقی از تصمیمات و درک زنان از فرزند آوری دست‌یابیم.

تجارب مربوط به فرزند آوری، از مرحله کسب شناخت در مورد فرزند تا مرحله قصد مثبت یا منفی فرزند آوری و در نهایت محقق ساختن نیت باروری، طی فرآیندهای ذهنی و معنایی و بستر نهادی جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، شکل می‌گیرد. لذا شناخت تجارب مربوط به فرزند آوری به شناخت معانی ذهنی که متن زندگی افراد به آن شکل داده است، وابسته است (محمودیان، ۱۳۸۸: ۲ و آقایاری هیر و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۲). از این‌رو رفتارهای باروری و شناخت آن‌ها نیازمند مطالعه عمیقی است که قادر باشد لایه‌های پنهان رفتار در هر بستری را واکاوی کنند. از این‌رو شناخت فهم زنان یزدی از فرزند آوری و زمینه‌های کم‌فرزندگی با استفاده از رویکرد کیفی مفید به نظر می‌رسد.

۱. اهداف و پرسش‌های تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی درک و تفسیر زنان از اهمیت فرزند آوری است و

سؤال اساسی تحقیق عبارت است از اینکه زنان یزدی به چه شکلی معانی ذهنی خود را از مفاهیمی همچون فرزند و فرزند آوری می‌سازند؟ آیا زنان یزدی به مخاطرات فرزند آوری توجه دارند و آیا این مخاطرات نقشی در فرایند تصمیمات باروری آنها داشته است؟ بر ساخت‌های ذهنی زنان در رابطه با فرزند آوری در کدام متن اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرند که نسبت به بسیاری از استان‌های دیگر باروری بالاتری را برای این استان رقم‌زده است؟

۲. پیشینه تحقیق

مطالعه کیفی حمیدی فر، کنعانی و عبادلهی (۱۳۹۶) با عنوان دیدگاه بی‌فرزندان ارادی درباره فرزند آوری: مطالعه‌ای در شهر رشت نشان داد که افراد داشتن یا نداشتن فرزند را به‌مثابه انتخابی می‌دانند که می‌تواند به خاطر انتخاب‌های دیگر به تعویق افتاده یا سرکوب شود. با این حال، بین دو جنس از نظر گرایش به بی‌فرزندگی تفاوت وجود دارد. به‌طوری‌که زنان، مادری را برای شکل‌گیری هویت خود مهم تلقی کرده، اما مردان چنین نظری درباره پدر شدن ندارند.

آقایاری هیر، فرخی نگارستان، لطیفی مجره (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای به شیوه کیفی، به شناسایی زمینه‌های کم‌فرزندگی در شهر تبریز پرداختند یافته‌ها نشان می‌دهد که پدیده کم‌فرزندگی به‌مثابه مخاطره تلقی می‌شود و چهار بعد شامل مخاطره زیبایی/تناسب‌اندام، مخاطره سلامتی (جسمی و روحی)، مخاطره اقتصادی (هزینه-های مستقیم و هزینه فرصت فرزند آوری) و مخاطره قدرت (کودک شه‌ریار) شناسایی شده است.

رضوی زاده، غفاریان و اخلاقی (۱۳۹۴)، با مطالعه کیفی زمینه‌های کم‌فرزندگی طلبی و تأخیر در فرزند آوری در شهرستان مشهد به این نتیجه رسیدند که برخی دغدغه‌های والدین به حوزه تربیت فرزند مربوط است برخی از بعد اقتصادی و محدودیت‌هایی است که فرزند برای مادر ایجاد می‌کند که به هزینه فرصت اشاره دارد. علاوه بر آن ارزش یافتن کم‌فرزندگی به‌عنوان یکی از دلایل تعویق فرزند آوری در این مطالعه اشاره شده است.

حسینی و بگی (۱۳۹۳) نیز کنش فرزند آوری و معنای آن در زوج‌های عرب در شهر اهواز را در مطالعه‌ای کیفی با رویکرد تئوری زمینه‌ای واکاوی کردند. در این مطالعه سه نوع رویکرد معنایی شامل کنش التیام‌بخش - ترمیمی، کنش آینده‌نگرانه - اندیشمندانه، کنش محدودکننده - امنیتی معرفی شد.

محمودیان و رضایی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای کیفی پدیده کم‌فرزند آوری به‌وسیله مصاحبه‌های عمیق با ۲۵ زن کرد شهر سقز واکاوی کرده‌اند. نتایج نشان داد که مدیریت بدن، حفاظت عاطفی و روانی از خود، توانمندی اجتماعی و تولیدمثل بازاندیشانه، درنهایت به مقوله‌ی «حمایت از خود» تبدیل شده که تم بنیادین جاری در درون یافته‌های پژوهش است. زنان به دلیل حمایت از خودشان به‌عنوان یک زن، سعی دارند تعداد فرزندانشان را کاهش دهند، زیرا تولیدمثل تنها عرصه‌ای است که زنان می‌توانند بااقتدار در آن تصمیم‌گیری کنند، بنابراین از توانمندی خود در این زمینه استفاده می‌کنند.

مطالعات فوق در بستر باروری زیر سطح جانشینی انجام شده است. لذا از نظر بستر تفاوت مطالعه حاضر در این است که در بین زنان ساکن شهر یزد انجام شده است با توجه به سطح باروری نسبتاً بالاتر استان یزد نسبت به سایر استان‌ها این مطالعه می‌تواند از این جهت حائز اهمیت باشد که در این استان آیا زنان درک متفاوت و خاصی نسبت به فرزند آوری دارند؟ لذا انجام این مطالعه ضمن پاسخگویی به سؤالات تحقیق ادبیات این حوزه را نیز غنا خواهد بخشید. ضمن اینکه نتایج این مطالعه، در سطح استانی به سیاست‌گذاران و مجریان سیاست‌های کلی جمعیت و قانون جدید حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مانند شورای راهبردی جمعیت استان، کمک خواهد کرد تا با آگاهی از درک زنان از فرزند آوری، به‌عنوان کنشگران اصلی فرزند آوری زمینه را برای اجرای برنامه‌هایی مناسب و همسو با خواسته‌ها و تمایلات فرزند آوری زنان در راستای تحقق سیاست‌های جمعیتی اجرا نمایند.

۳. چارچوب مفهومی تحقیق

در این قسمت تلاش می‌شود تا رویکردهای نظری متفاوتی که برای تبیین تحولات و تغییرات باروری ارائه شده است، مرور شود و از این طریق زمینه‌ای برای دستیابی به چارچوب مفهومی مناسبی جهت مشخص نمودن حدود مرز مسئله مورد بررسی در راستای انجام بهتر پژوهش فراهم گردد. بر این اساس نظریه کاهش عدم اطمینان، اجتناب از خطر، نظریه لیبنشتاین و تبیین نهادی باروری مبنای نظری هدایت‌کننده سؤالات این پژوهش است.

فریدمن^۱ با طرح مدل تبیینی خود چارچوب مناسبی برای مبحث ارزش فرزند را مطرح کرد. مدل تبیینی فریدمن به‌منظور لحاظ کردن یک انگیزه غیر ابزاری برای

تصمیم‌گیری در مورد داشتن فرزند صورت پذیرفت که با عنوان نظریه کاهش عدم اطمینان معرفی و ارائه شده است. نظریه ارزش فرزند فریدمن بر دو فرض اساسی استوار است: کاهش عدم اطمینان و فرض تقویت استحکام خانوادگی. به بیان دیگر، کنشگران منطقی، اغلب خواستار کاهش عدم اطمینان هستند و زوج‌ها و همسران هم همواره خواستار افزایش میزان استحکام روابط خود (ازدواج) هستند. ارزش کودکان را نمی‌توان تنها به بعد اقتصادی محدود دانست و تنها با مقیاس‌های اقتصادی آن را اندازه‌گیری کرد. کودکان واجد ارزش‌های روانی، اجتماعی و حتی جمعیتی هستند که به نوبه خود باید مورد توجه واقع شود. تبیین مطرح شده درباره ارزش فرزندان گرایش به تأکید ابعاد غیراقتصادی ارزش فرزند، مهم‌تر از همه ارزش‌های اجتماعی - جمعیتی و ارزش‌های روانی - اجتماعی است (فریدمن و دیگران ۱۹۹۴، ۳۸۰).

بر طبق نظریه اجتناب از خطر که اولین بار توسط مکدونالد^۱ (۱۹۹۶) مطرح شد، افراد در تصمیم‌گیری برای اینکه بچه داشته باشند یا نه مزایا و منافع فرزند بیشتر را ارزیابی می‌کنند. نظریه اجتناب از خطر، بعد بی اطمینانی اقتصادی را به فرآیند تصمیم‌گیری اضافه می‌کند. احتمال دارد افراد درک کمی از فرصت‌ها و هزینه‌های مرتبط با انتخاب‌های خود داشته باشند (فیوری و همکاران^۲ ۲۰۱۳؛ وسترن^۳ و همکاران ۲۰۱۲)، به این دلیل که نمی‌توان با قطعیت تعیین کرد که چه هزینه‌ها و فوایدی در آینده مورد انتظار است، لذا افراد به گونه‌ای تصمیمات خود را اتخاذ می‌کنند که بتوانند در زندگی خود در آینده تغییراتی که می‌توانند ایجاد کنند را تغییر دهند لذا تصمیمات زندگی و فرزند آوری بستگی به ارزیابی آن‌ها از شرایط کنونی و آینده خواهد داشت (مکدونالد، ۱۹۹۶: ۳۸۸). طبق این نظریه، ازدواج و فرزند آوری تعهدات بلندمدتی است که نیازمند حدی از ثبات شغلی یا چشم‌اندازی از اشتغال پایدار و امنیت اقتصادی است. از این‌رو، ناامنی‌های اقتصادی و درآمدی ناشی از بی‌ثباتی شغلی و یا بیکاری بر تصمیمات و کنش‌های فرزند آوری تأثیر منفی و اجتناب‌ناپذیری دارند. قرار گرفتن در این شرایط به شدت احساس ریسک را بالا برده و در این شرایط افراد در جستجوی موقعیت‌ها و اقداماتی نظیر (افزایش سطح تحصیلات، دستیابی به شغل پایدار)، هستند که مخاطرات کمتری داشته و

1. McDonald

2. Fiori

3. Western

مسیر مناسبی برای اجتناب از خطر به شمار می‌رود؛ بنابراین درحالی‌که برای بسیاری از مردم تشکیل خانواده و فرزند آوری دارای اهمیت است در سرمایه‌داری جدید مبتنی بر فرصت‌ها و عدم قطعیت‌ها، نیات باروری کاهش می‌یابد و در نتیجه، شکاف بین باروری واقعی و ایدئال، تأخیر یا حتی چشم‌پوشی از باروری رخ می‌دهد. طرفداران دیدگاه تبیین نهادی باروری، استدلال می‌کنند که رفتار باروری در بستر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه صورت می‌گیرد (عباسی شوازی و دیگران^۱، ۲۰۰۹: ۸). به اعتقاد مک نیکل^۲ (۱۹۸۰: ۴۴۱) باروری یک پدیده زیستی است و باید با توجه به بافت نهادی آن را، مطالعه کرد، زیرا منحصر بودن بافت نهادی هر جامعه باعث شده تا واکنش جمعیت شناختی به تغییرات حاصله در شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع منحصر به فرد باشد. (عباسی شوازی و عسکری ندوشن^۳، ۱۳۸۴: ۳۲). مک نیکل به نقش دولت تأکید می‌کند و از نظر وی دولت می‌تواند از طریق افزایش هزینه‌های فرزند آوری، فراهم نمودن فرصت‌های شغلی، تغییر نظام آموزشی و بازار کار، قوانین و سیاست‌گذاری‌ها در حوزه خانواده، افزایش هزینه‌های فرصت و... بر رفتار باروری افراد تأثیر بگذارد. (عباسی شوازی و عسکری ندوشن^۳، ۱۳۸۴: ۳۲).

از جمله افرادی که سعی کرده عوامل اقتصادی را در تصمیمات باروری داخل کند لیبنشتاین^۳ (۱۹۷۵) است. لیبنشتاین منافع فرزندان را به سه دسته و هزینه فرزندان را به دو دسته تقسیم می‌کند. منافع فرزندان: شامل فواید عاطفی (فرزند آوری منبع لذت والدین)؛ فواید مالی و اقتصاد (به‌کارگیری فرزند به‌عنوان نیروی کار)؛ فواید امنیت بخشی: تأمین و نگهداری والدین در سنین پیری یا در شرایط بیماری یا از کارافتادگی. هزینه‌های فرزندان نیز دو دسته هستند هزینه‌های مستقیم ماند هزینه پوشاک، تغذیه و نگهداری. هزینه‌های غیرمستقیم که اشاره به فرصت‌هایی دارد که مادر به دلیل فرزند آوری و مراقبت از او از دست داده است. بدین گونه که فرزندان با نگه‌داشتن مادر در خانه، مانع بالفعل شدن درآمد بالقوه‌ای هستند که مادر می‌تواند در بازار کار به دست آورد. این مسئله وقتی تشدید می‌شود که تحرک اجتماعی و مکانی مادر به هر تعداد که فرزندان بیشتر شوند، کاهش می‌یابد. لیبنشتاین نتیجه می‌گیرد که اگر منافع اقتصادی حاصل از فرزند بیشتر از هزینه‌های دوگانه‌ی آن

1. Abbasi- Shavazi, M. J., McDonald, P., & Hossein- Chavoshi, M.

2. Mc Nicoll

3. Leibenstein, Harvey

باشد، خانوار انگیزه پیدا می‌کند که فرزندان بیشتری داشته باشند (لیبنشتاین، ۱۹۷۴، ۱۰-۱۵).

همان‌طور که ملاحظه شد نظریات فوق هر کدام از جنبه‌ای تصمیمات و رفتارهای باروری را مورد توجه قرار داده‌اند. اساس سؤالات تحقیق حاضر بر مبنای نظریه‌های فوق بوده تا به فهم معنای فرزند از نظر کارکردهای عاطفی، انسجام زندگی زناشویی، هزینه‌های فرزند آوری و چشم‌انداز آینده از نگاه مشارکت‌کنندگان در تحقیق، نائل شویم. علی‌رغم رویکرد استقرایی مطالعه، محورهایی بر اساس نظریه‌های قبلی که مبنایی برای سؤالات مصاحبه عمیق باشد، در این مطالعه مشخص گردید ولی محقق در زمان تحلیل، کاملاً نسبت به ظهور مضامین جدید پذیرا بوده و خود را محدود به گزاره‌های مبتنی بر نظریه از پیش تعیین‌شده نکرد.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی و به روش تحلیل محتوای کیفی است که روشی مناسب برای داده‌های متنی بوده است. در رویکرد کیفی، درک پدیده نظری مورد مطالعه در زمینه و محیط جهان واقعی مورد نظر است. جایی که پژوهشگر در پی دست‌کاری پدیده مورد نظر خود نیست (پاتن^۱ ۲۰۰۲)، در این رویکرد، محقق با ورود به میدان، با غوطه‌ور شدن در داده‌ها، به کشف معانی و تفاسیر افراد می‌پردازد. بر این اساس برای فهم عمیق و تفسیر جامع از تجربه و کنش‌های افراد لازم است به منابع نهادی مختلف از جمله نهاد خانواده، نظام مردسالاری، نظام حمایتی، ارزش‌های خانوادگی و دینی و جایگاه زنان در این بستر توجه شود تا بتوان از آن طریق موقعیت زنان را در شرایط کنونی معنا و بازتفسیر کرد.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش زنان یزدی هستند که با داشتن سه مشخصه اصلی وارد حوزه پژوهش شده‌اند: ۱- متأهل باشند ۲- حداقل سه سال از مدت ازدواجشان گذشته باشد ۳- ساکن شهر یزد باشند. در این پژوهش، نمونه‌گیری به صورت هدفمند آغاز شد و تا سطح اشباع داده‌ها ادامه یافت. اشباع نظری یعنی زمانی که افراد نمونه دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکنند و یا آنچه مطرح می‌کنند در تضاد با دانسته‌های گردآوری‌شده نباشد (حریری، ۱۳۸۵: ۱۳۹). بدین ترتیب اطلاعات این مطالعه از طریق مصاحبه با ۲۵ زن متأهل یزدی در طول یک دوره ۴ ماهه از ابتدای شهریور تا پایان آذرماه ۱۳۹۷ جمع‌آوری شد. برخی از مصاحبه‌ها در

1. Patton, M.Q.

محل زندگی آن‌ها و برخی دیگر در مکان‌های عمومی صورت گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه بود. مصاحبه‌ها با سؤالات کلی آغاز شد و با احتیاط به سمت سؤالات خاص و مرتبط با موضوع تحقیق پیش رفت. ضبط مصاحبه‌ها با رضایت کامل مشارکت‌کنندگان انجام شد. قبل از مصاحبه، درباره موضوع، هدف تحقیق، روند کار، رعایت اصول اخلاقی و... به افراد نمونه توضیحاتی داده شد. مدت‌زمان جلسات بین ۱ تا ۱/۵ ساعت متغیر بود.

در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از تحلیل محتوای کیفی (نئوندورف^۱ ۲۰۰۲) استفاده شده است. در این روش منبع اصلی داده‌ها، داده‌های متنی ناشی از گفتگوهای عمیق محقق و شرکت‌کنندگان است. روش تحلیل محتوای کیفی روش مناسبی برای تحلیل داده‌های متنی است (سایه و شانون^۲ ۲۰۰۵). تحلیل محتوای کیفی کمک می‌کند معنای آنچه پاسخگویان می‌گویند با توجه به زمینه اقتصادی اجتماعی که پاسخگو در آن قرار دارد درک شود. در این مطالعه اولین گام برای تحلیل این بود که عناصر زمینه‌ای که مخصوص هر فرد است در یک جدول مشخص شود. عناصر زمینه‌ای شامل ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی افراد است ارائه این اطلاعات تنوع شرکت‌کنندگان در تحقیق را آشکار می‌کند. واحد تحلیل در این مطالعه، کل مصاحبه‌ها بود. لذا در گام بعدی متن هر مصاحبه چند بار خوانده شد و از گزاره‌های اصلی، یادداشت‌برداری شد، سپس گزاره‌ها خوانده شد و کلمات کلیدی مشخص شد در مواردی که نیاز به یادداشت‌برداری متن بیشتری بود، به متن مصاحبه مجدداً مراجعه می‌شد و به این ترتیب واحدهای معنی به صورت جملات یا پاراگراف از بیانات و متون مصاحبه مشخص شد و کدهای اولیه یا کدهای باز از آن‌ها استخراج گردید. مرحله خواندن مصاحبه‌ها چندین بار تکرار شد بازخوانی‌ها کمک کرد تا جزئیات احساسات و عواطف پاسخگو در زمان مصاحبه یادآوری شود تا با توجه به تمام جزئیات معانی استخراج گردد. در مرحله بعد بر اساس تفاوت‌ها و تشابهات در کلمات کلیدی، مفاهیم انتخاب شدند سپس مفاهیم در دسته‌بندی انتزاعی‌تر تحت عنوان خرده مقوله‌ها قرار گرفتند. بدین ترتیب زیر طبقات، طبقات اصلی و تم‌ها انتزاع شدند. جریان تجزیه و تحلیل با اضافه شدن هر مصاحبه تکرار و کدها و طبقات اصلاح گردید.

در پژوهش‌های کیفی، بیشتر بحث اعتبار مطرح است تا پایایی و این موضوع

1. Neuendorf

2. Hsieh & Shannon

ناشی از ماهیت هستی‌شناختی و فلسفی روش‌های پژوهش کیفی است. برای دستیابی به اعتبار پذیری از سه تکنیک استفاده شد. تکنیک اعتبار یابی توسط اعضا؛ که از مشارکت‌کنندگان خواسته شده تا یافته‌های کلی آن را مطالعه و ارزیابی کرده و در مورد آن نظر دهند. روش مقایسه تحلیل؛ که در این روش به داده‌های خام مراجعه کرده تا الگویابی داده‌ها با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. همچنین در مرحله بازرسی خارجی؛ توسط اساتید ناظر طرح با نظارت بر کلیه مراحل پژوهش، استفاده گردیده است. لذا درگیری محقق به موضوع موردنظر به پژوهش و داده‌هایش، همچنین مشاهده کدهای استخراج شده و متن مصاحبه‌ها توسط تنی چند از مشارکت‌کنندگان، تأییدی بر اعتبار پذیری پژوهش می‌تواند باشد. همچنین با توجه به «باورپذیر کردن گزینشی» مدنظر فلیک به‌عنوان یکی از روش‌های افزایش اعتبار و به معنی مستدل کردن متن با نقل قول‌های مصاحبه شونده‌گان (رستمی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۵: ۹۰) در این پژوهش موارد متعددی از نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان به‌منظور باورپذیر کردن یافته‌های پژوهش بیان شده است.

در جدول زیر مشخصات جمعیت مورد مطالعه به تصویر کشیده شده است. دامنه تغییرات سن زنان پاسخگو بین ۲۰ تا ۵۵ سال است که میانگین سن زنان ۳۲/۲۸ سال و میانگین سن همسرانشان ۳۸/۸۰ سال می‌باشد. سطح تحصیلات زنان یزدی مشارکت‌کننده در این پژوهش متفاوت است و از تمام سطوح تحصیلی در نمونه قرار دارند. به لحاظ سطح تحصیلات ۱ نفر از مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات ابتدایی، ۳ نفر سیکل، ۴ نفر دیپلم، ۵ نفر کاردانی، ۸ نفر کارشناسی، ۳ نفر کارشناسی ارشد و ۱ نفر دکتری بوده‌اند. ۶ نفر از زنان شاغل، ۶ نفر دانشجو و ۱۳ نفر خانه‌دار هستند. میانگین تعداد فرزندان موجود زنان ۱/۶۴ فرزند می‌باشد و ۵ نفر از زنان بدون فرزند هستند، باین حال اهمیت و درک این گروه از زنان از فرزند آوری نیز دارای اهمیت است. (اسامی داخل مطالعه واقعی نیستند، فقط برای ارتباط بیشتر خواننده با محتوای مطالعه از اسامی به‌جای کد استفاده شده است).

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی مشارکت‌کنندگان در پژوهش، ۱۳۹۷

ردیف	نام مشارکت‌کننده	سن زن	سن شوهر	تعداد فرزندان	تحصیلات زن	تحصیلات شوهر	وضع فعالیت زن
۱	رویا	۲۰	۲۸	بدون فرزند	کاردانی	دیپلم	دانشجو
۲	مینا	۲۰	۲۹	بدون فرزند	دیپلم	کارشناسی	خانه‌دار
۳	هستی	۲۲	۲۲	بدون فرزند	کاردانی	کاردانی	دانشجو
۴	سمانه	۲۳	۲۴	بدون فرزند	کارشناسی	کارشناسی	دانشجو
۵	سمیه	۲۳	۲۵	۱ پسر	کاردانی	کارشناسی	خانه‌دار
۶	لیلا	۲۴	۳۳	۱ دختر	کارشناسی	کارشناسی	شاغل
۷	پریسا	۲۵	۲۹	۲ پسر	کاردانی	دیپلم	دانشجو
۸	محبوبه	۲۵	۳۲	۱ پسر	کارشناسی ارشد	کارشناسی ارشد	شاغل
۹	نعیمه	۲۵	۳۰	۱	کارشناسی ارشد	کارشناسی	دانشجو
۱۰	زیبا	۲۶	۳۴	۱ دختر و ۱ پسر	کارشناسی	کارشناسی	خانه‌دار
۱۱	سلیمه	۲۶	۲۸	بدون فرزند	کارشناسی ارشد	دکتری	شاغل
۱۲	شکوفه	۲۷	۳۶	۱ دختر و ۱ پسر	دیپلم	دیپلم	خانه‌دار
۱۳	مرضیه	۳۰	۳۰	۱	کارشناسی	کارشناسی	خانه‌دار
۱۴	فریبا	۳۰	۳۶	۱ دختر	دیپلم	دیپلم	خانه‌دار
۱۵	نجمه	۳۱	۳۴	۱ پسر	کارشناسی	دیپلم	خانه‌دار
۱۶	سارا	۳۲	۴۳	۲ دختر	کاردانی	دیپلم	دانشجو
۱۷	صفیه	۳۳	۳۷	۱ دختر و ۱ پسر	دیپلم	کاردانی	خانه‌دار
۱۸	عفت	۳۵	۳۹	۲ دختر و ۱ پسر	کارشناسی	سیکل	شاغل
۱۹	مرجان	۳۸	۴۶	بدون فرزند	دکتری	کارشناسی ارشد	شاغل
۲۰	آسیه	۴۲	۵۴	۲ پسر و ۲	سیکل	دیپلم	خانه‌دار

ردیف	نام مشارکت‌کننده	سن زن	سن شوهر	تعداد فرزندان	تحصیلات زن	تحصیلات شوهر	وضع فعالیت زن
				دختر			
۲۱	منیره	۴۴	۵۰	۳ پسر	کارشناسی	کارشناسی ارشد	خانه‌دار
۲۲	معصومه	۴۸	۵۷	۲ دختر و ۱ پسر	سیکل	دیپلم	خانه‌دار
۲۳	سهیلا	۴۹	۵۹	۱ دختر و ۲ پسر	کارشناسی	دیپلم	شاغل
۲۴	فرخنده	۵۴	۵۳	۲ دختر و ۱ پسر	ابتدایی	ابتدایی	خانه‌دار
۲۵	شکوه	۵۵	۵۷	۳ دختر و ۲ پسر	سیکل	سیکل	خانه‌دار

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش به تحلیل کیفی یافته‌های تحقیق که به صورت گزاره‌های حاصل از مصاحبه‌ها ارائه شده، پرداخته می‌شود. سؤال اصلی که این مطالعه دنبال می‌کرد این بود که زنان یزدی به چه شکلی معانی ذهنی خود را از مفاهیمی همچون فرزند و فرزند آوری می‌سازند؟ و زنان یزدی را چگونه درک می‌کنند؟ طی تحلیل‌های صورت گرفته از ۲۵ مصاحبه انجام شده با زنان یزدی، ۷۰ مفهوم در قالب ۷ زیر مقوله و ۲ مقوله اصلی، مقوله هسته با عنوان «فرزند آوری: دوگانه انگاری مخاطره و اطمینان» حاصل شده که از دو مقوله اصلی شامل تأملات معنا بخش و اطمینان آفرین و مخاطرات فرزند آوری احصاء شد.

۵-۱. تأملات معنا بخش و اطمینان آفرین

در جدول ۲، مقوله اصلی تأملات معنا بخش و اطمینان آفرین به همراه مفاهیم مرتبط با هر زیر مقوله ارائه شده است.

جدول (۲): مفاهیم و زیر مقوله‌های مرتبط با مقوله تأملات معنا بخش و اطمینان آفرین

مفهوم اصلی	زیر مقوله‌ها	مفاهیم
تأملات معنا بخش و اطمینان آفرین	معنابخش زندگی	ثمره زندگی، شیرینی زندگی، میوه عشق والدین، دردسری شیرین، معنای زندگی، انگیزه ازدواج، مایه خیروبرکت، هدف آفرین. خیر دنیا و آخرت
	رشد و تکامل شخصیت	تجربه حس والدینی، ایفای نقش والدینی، کاهنده غرور و منیت زوجین، پذیرش مسئولیت‌های مشترک والدینی، القای روحیه ایثار و ازخودگذشتگی به والدین. رشد معنوی
	استحکام بنیان خانواده	تحکیم روابط زناشویی، دل بستگی بیشتر زوجین، پیوند والدینی.
	امنیت آفرینی	افزایش امید و نشاط زندگی، افتخار و سربلندی خانواده، بقای نسل و امتداد خانواده، رهایی از تنهایی و روزمرگی، پشتوانه‌ای برای والدین، بازوی والدین، امنیت اجتماعی دوران پیری.

تحلیل مصاحبه مشارکت‌کنندگان این مطالعه بیانگر این است که فرزندان برای والدین دارای معنا و مفهوم خاصی هستند، از این رو تنوعی از مفاهیم برای فرزندان بسته به دید و تفکر پدر و مادرشان وجود دارد. بسیاری از آن‌ها با استناد به روایات متعدد فرزند را ثمره و میوه‌های زندگی و منشأ نشاط، شادابی، طراوت دادن به زندگی می‌دانستند و زندگی بدون فرزند برایشان بی‌مفهوم و عبث می‌دانند. از نظر آن‌ها ورود فرزند به زندگی مرد و زن شیرینی خاصی می‌بخشد زیرا درخت عشق و الفت والدین به ثمر نشسته و میوه داده است. برخی از پاسخگویان فرزندان را دردسره‌های شیرینی می‌بینند که به زندگی معنا بخشیده و انگیزه‌ای برای ادامه زندگی‌شان شده‌اند. به عبارتی فرزندان تمام زندگی پدر و مادر می‌شوند و این دل‌بندان کوچک وابستگی شدیدی نسبت به خود در وجود پدر و مادر ایجاد می‌کنند به حدی که والدین آنان را مایه خیروبرکت بخشیدن به زندگی خود می‌دانند. با ورود فرزند به زندگی زوجین، انگیزه‌هایشان برای زندگی بهتر چند برابر شده و هدف آفرینی خاصی برایشان ایجاد شده است. سهیلا (۴۹ ساله، کارشناسی و شاغل) در مورد معنای فرزند می‌گوید:

«بچه‌ها باعث گرمی زندگی و افزایش شورونشاط بین والدین میشن و مایه برکت

و تمام زندگی والدینشون هستن.»

ارزش فرزندان به منافع و هزینه‌هایی که فرزندان برای والدین دارد و یا به عبارتی جنبه‌های مثبت و منفی فرزند آوری اشاره می‌کند. در این مطالعه نیز پاسخگویان هم به جنبه‌های مثبت و هم هزینه‌های فرزند آوری تأکید داشتند. برخی به تأثیر ازدواج بر استحکام پیوندهای زناشویی اشاره داشتند. از نظر برخی از آن‌ها با ورود فرزند به زندگی مشترک زوجین علاوه بر آرامش، امید به زندگی و آینده آنان افزوده و شورونشاط زندگی‌شان چندین برابر می‌شود. چراکه وجود فرزند ارمغان آور تجربه حس خوب والدینی برای آنان است، وضعیتی که زندگی بی‌روحشان را رونق و گرما بخشیده و متحول می‌سازد و زمینه‌ساز نشاط و بالندگی و دل‌بستگی بیشتر بین زن و شوهری می‌شود که به مرور دچار روزمرگی و یکنواختی شده‌اند. نهمه (۳۱ ساله، کارشناسی و خانه‌دار) در مورد اهمیت حضور فرزند در زندگی می‌گوید:

«چهار سال بعد از ازدواجمون که دیگه تقریباً همه چیز برامون تکراری و یکنواخت شده بود، تصمیم گرفتیم بچه دار بشیم، ولی عملاً غیرممکن شده بود، دوبار سقط کردم و بالاخره پس از کلی تلاش و نذر و نیاز، خداوند بهمون یه پسر داد. خیلی خیلی همه خوشحال شدند، خودم حس خوب مادری را بالاخره تجربه کردم. حضورش تو زندگی‌مون امید و نشاط زیادی ایجاد کرده، زندگی‌مون متحول شده... خدا را شکر...»

با ورود فرزند به زندگی مشترک زوجین، آنان احساس کردند که به‌جز همسرشان پشتوانه‌ای دیگر یافته‌اند که همیشه می‌توانند به آن امیدوار و دل‌خوش باشند و به خاطر پیدا کردن جایگاه پدری یا مادری احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و در همین راستا نهایت گذشت و ایثار را نسبت به فرزندان خود دارند و خوشبختی و سعادت آنان نهایت آرزوی‌شان است. علاوه بر آن پاسخگویان این مطالعه بقاء نسل و امتداد خانواده نام و نشان خود را در وجود فرزندان و نوادگان می‌بینند و چنانچه فرزند موفق‌تری را به جامعه تحویل دهند، موجبات افتخار و سربلندی خانواده را نیز فراهم می‌سازد. شکوه (۵۵ ساله، سیکل و خانه‌دار) در مورد نقش فرزند در بقاء نسل و افتخارآفرینی برای خانواده می‌گوید:

«اگه خانواده‌ها بتونن فرزندی صالحی تربیت کنن و تحویل جامعه بده هم نام و نشون خوبی از خودشون تو جامعه به جا گذاشتن، هم باقیات و صالحاتی برای خودشونه.»

بسیاری از شرکت‌کنندگان به اهمیت فرزند آوری در آیات و روایات قرآنی اشاره داشتن. شرکت‌کننده شماره ۱۰ در این باره می‌گوید «در روایات آمده است که برخی

پدران و مادران به‌واسطه فرزندان خود اهل بهشت می‌شوند». علاوه بر آن پاسخگویان به نقش فرزند در رشد و تکامل والدین نیز اشاره داشتند. از نظر آن‌ها وجود فرزندی که یادآور و حاصل عشق و علاقه‌ای آنان به یکدیگر است، باعث شده از غرور و منیت‌های آنان کاسته تا با عبور از خودمحوری بتوانند به ما بودن برسند. منیره (۴۴) ساله، کارشناسی و خانه‌دار) در مورد اهمیت نقش فرزند در استحکام بنیان خانواده می‌گوید:

«وجود بچه‌ها تو زندگی باعث میشه که زن و شوهر راحت‌تر از دلخوری‌ها و ناراحتی‌هایی که بینشون ایجاد شده، بگذرن و به خاطر بچه‌ها سعی کنند که فضای خونه را بانشاط و صمیمی نگه دارن. حتی خیلی از زن و شوهرها با وجود مشکلات زیادی که تو زندگیشون دارن، به خاطر بچه هاشون حاضر نمی‌شن طلاق بگیرن...» شرکت‌کنندگان در این مطالعه پدر و مادر شدن را تصمیمی فردی می‌دانستند که همسو با ارزش‌های فردی، خانوادگی و مذهبی و فرهنگی است و منجر به تکامل رشد روحی و معنوی آن‌ها انجامیده است. آن‌ها نقش پدر و مادر هم در اجتماع و هم نزد خداوند موضوع مهم و تعیین‌کننده‌ای در سعادت در هر دو سرای دنیا و آخرت می‌پنداشتند و بر حفظ روابط والدین و فرزندان و حفظ نظام خویشاوندی را مایه بقای جامعه تأکید داشتند. محبوبه (۲۵) ساله، کارشناسی ارشد) در این باره می‌گوید:

«پیشرفته شدن جامعه باید به ما کمک کند تا خانواده موفق‌تری نسبت به گذشته داشته باشیم و از تکنولوژی‌ها و این رفاهی که مدرنیته با خود آورده در تقویت ارزش‌های معنوی و تکامل معنوی و شخصیتی کلیه اعضای خانواده استفاده شود این همان غایتی است که همه پیامبران و امامان توصیه کردند حتی در بین اندیشمندان و فلاسفه نیز این بعد معنوی از انسان هدف بوده است. درست است جامعه تغییر کرده اما خوشبختی و تکامل انسان درون خانواده مفهوم دارد و قابل‌دستیابی است»

درواقع نقل‌قول‌های بالا همگی حاکی از این است که برای شرکت‌کنندگان این مطالعه فرزند دار شدن از علائق اولیه آن‌ها بوده است، آن‌ها فرزندان را منشأ آرامش و اطمینان و خرسندی و هدفمندی زندگی بیان می‌کنند. از نظر آن‌ها فرزندان امانت‌هایی هستند که خداوند در دامن پرمهر پدر و مادر قرار می‌دهد تا پایه‌های خانواده مستحکم‌تر گردد و آنان حس شیرین والدینی را تجربه کنند. لذا فرزندان به لحاظ ظرفیت کاهش عدم اطمینان برای زنان و افزایش انسجام زناشویی برای والدین دارای ارزش هستند. لذا می‌تواند منبع اطمینان تلقی شود.

۵-۲. مخاطرات فرزند آوری

ادبیات تحقیق حاکی از این بود که رویکرد زنان، به‌عنوان عاملان اصلی در فرایند باروری، در استان‌هایی که باروری پایین را تجربه می‌کنند، فرزند آوری به‌مثابه خطر است. در این مطالعه از سؤالات و اهداف مطالعه این بود که آیا زنان یزدی نیز به مخاطرات فرزند آوری توجه دارند و آیا این مخاطرات نقشی در فرایند تصمیمات باروری آن‌ها داشته است؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت، از نظر شرکت‌کنندگان این مطالعه نیز فرزندان با حضور شادی‌بخش خود درون زندگی زوجین، دغدغه و نگرانی‌هایی را هم با خود به همراه می‌آورند که اغلب والدین همیشه درگیر آن‌ها هستند. همه پاسخگویان این مطالعه به این نکته اذعان دارند که فرزند آوری کاری ساده‌ای نیست و پیچیدگی خاصی دارد و ظرافت‌های زیادی را برای یک تربیت صحیح و همه‌جانبه می‌طلبد. مقوله اصلی مخاطرات فرزند آوری شامل سه زیر مقوله؛ «هزینه‌های مستمر»، «مواجهه با ارزش‌های متعارض» و «آینده پرمخاطره فرزند» است که مفاهیم مرتبط با هر زیر مقوله در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول (۳): مفاهیم و زیر مقوله‌های مرتبط با مقوله مخاطرات فرزند آوری

مفاهیم	زیر مقوله‌ها	مقوله اصلی
هزینه فرصت والدین، هزینه معاینات قبل از بارداری و زایمان، درمان پرهزینه ناباروری اولیه و ثانویه، هزینه خوراک و پوشاک و سلامت، هزینه تفریح و اوقات فراغت، محدود شدن آزادی‌های والدین، هزینه‌های احساسی، هزینه‌های تحصیل و ایجاد شغل برای فرزندان، هزینه‌های ازدواج فرزند، هزینه تأمین مسکن پسران، چشم‌وهم‌چشمی در تأمین جهیزیه دختران.	هزینه‌های مستمر	مخاطرات فرزند آوری
مسائل تربیتی، کاهش باورهای دینی فرزندان، کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی، تفاوت نسلی جهان‌بینی والدین و فرزندان، ناآشنایی والدین در مورد شیوه تربیت نسل جدید، فضای مجازی افسار گریخته، تعامل با گروه همسالان ناشناس، عدم تطابق مهارت‌های والدینی با واقعیات پیش رو، تردید در مورد اولویت ادامه تحصیل و کسب شغل، تفاوت در	مواجهه با ارزش‌های متعارض	آوری

مفاهیم	زیرمقوله‌ها	مقوله اصلی
ارزش‌های ازدواج و همسرگزینی والدین و فرزندان، سست شدن کنترل والدین بر فرزندان، کاهش گفتمان خانوادگی. تربیت اخلاقی و دینی فرزندان،		
مخاطرات فضای مجازی بر سلامت روان فرزندان، گروه همسالان و دوستان ناباب، آسیب‌های فضای مجازی، رفتارهای پرخطر جنسی، آینده نامعلوم شغلی، جذب مشاغل ناسالم و کاذب، درگیر شدن در باندهای فساد و مواد مخدر، مسئله ازدواج و همسرگزینی، کم‌اهمیت شدن سهم خانواده در انتخاب همسر، روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج، تأخیر سن ازدواج دختران و پسران.	آینده پر مخاطره فرزند	

پاسخگویان این مطالعه همگی به سختی‌های فرزند آوری اشاره داشتند. از نظر آن‌ها مقتضیات زندگی در زمانه امروز ایجاب می‌کند که زوجین برای هر اقدامی در زمینه فرزند آوری به صورت عقلانی و کاملاً حساب‌شده عمل کنند. گرچه امروزه منافع اقتصادی فرزند آوری در مقایسه با گذشته در حال کاهش است، ولی پرورش و تربیت فرزندان هزینه‌های بسیار زیادی بر زوجین و خانواده‌ها تحمیل می‌کند که در بررسی ارزش فرزند نباید از آن غفلت کرد. آسیه (۵۵ ساله، سیکل و خانه‌دار) در مورد هزینه‌های فرزند آوری در جامعه امروز می‌گوید:

«زمانه خیلی فرق کرده، زمان ما قبل از بچه دار شدن کار خاصی نمی‌کردن و همین جوری بچه دار می‌شدن. حالا از زمانیکه متوجه میشن بچه دار شدند تا زمان زایمان هزینه‌های زیادی را باید پردازن. ... هزینه بیمارستان‌ها نیز سرسام‌آور شده است. بعد از تولد هم که هزینه‌ها هرروز بیشتر میشه»

سمانه (۲۳ ساله، کارشناسی و دانشجو) درباره نحوه هزینه‌کرد اقتصادی در زندگی با توجه به تعداد فرزندان می‌گوید:

«از نظر اقتصادی فرزند کمتر یعنی زندگی بهتر، وقتی دوتا بچه داشته باشی یعنی که باید دو برابر وقت بذاری و خرج کنی»

زنان شرکت‌کننده در این مطالعه به هزینه‌های فرزند آوری از زمان تصمیم‌گیری برای حاملگی تا بزرگ شدن بچه‌ها اشاره داشتند. از نظر آن‌ها در حال حاضر باید قبل از تصمیم به فرزند آوری پذیرای مسئولیت سنگین والدینی باشند. اضطراب و

استرس فراوان قبل از بارداری، معاینات پزشکی متوالی و مکرر بارداری، استرس‌های مواجه‌شدن با واقعیت نازایی و ناباروری، هزینه‌های بالای درمان ناباروری و زایمان از جمله هزینه‌های روانی و مالی دوران قبل از تولد فرزند است. نعیمه (۲۵ ساله، کارشناسی ارشد و دانشجو) در مورد مخارج زیاد دوران قبل از تولد فرزند می‌گوید:

«از زمان بارداری هزینه کردن برای فرزند شروع میشه، برای کلاس‌های بارداری، ویزیت و معاینه دکتر، سونوگرافی‌های مکرر و آزمایش‌های ژنتیک و هزینه‌های بیمارستان باید خیلی هزینه بکنی. هر روز هم هزینه هاش بیشتر میشه»

از نظر پاسخگویان این مطالعه با تولد فرزند هزینه‌های بعدی شامل هزینه شیر خشک، پوشک، خوراک، پوشاک و درمان به سایر هزینه‌ها اضافه می‌شود. به تدریج و با افزایش سن هزینه‌های مهدکودک و آموزش‌های دوران پیش از دبستان و به تدریج تحصیل در دوره‌های مختلف آموزشی از دبستان تا دانشگاه به همراه هزینه‌های گذران اوقات فراغت و تفریحات فرزندان از دیگر موارد مهمی است که باید توسط والدین برای تربیت باکیفیت یک فرزند در جامعه امروزی صرف شود. آن‌ها به هزینه‌های فرزندان در سنین نوجوانی و جوانی نیز اشاره داشتند. به مرور افزایش سن فرزندان و ورود به مرحله جوانی و تصمیم برای ازدواج و تشکیل زندگی مشترک، دغدغه ایجاد شغل پسران و تهیه جهیزیه دختران هم به سایر هزینه‌های فرزند آوری افزوده می‌شود. در تمام مراحل والدین مجبورند هم به لحاظ احساسی و روانی و هم مالی برای تأمین آتیه و سروسامان دادن فرزندان هزینه‌های زیادی بپردازند. از این رو برخی از مشارکت‌کنندگان معتقدند که به جهت هزینه‌های زیادی که فرزند آوری بر دوش والدین تحمیل می‌کند و منفعت درحالی که کاهش فرزندان، تصمیمات باروری آن‌ها با چالش همراه است. پریسا (۲۵ ساله، کاردانی و دانشجو) درباره هزینه‌های زیاد فرزند آوری می‌گوید:

«الآن همه هزینه‌ها واسه بچه هاس، مثلاً من بخوام یه خرید معمولی برم وقتی با بچه میرم کلی به هزینه‌های خریدم اضافه میشه.»

فرخنده (۵۴ ساله، ابتدایی و خانه‌دار) درباره دغدغه‌های والدین برای آمادگی جوانان برای ازدواج و هزینه‌های آن می‌گوید:

«با این سطح توقعاتی که خانواده‌ها از همدیگه دارن، ازدواج جوونا خیلی سخت شده، دخترا باید بهترین و جدیدترین مارک وسایل رو تو جهیزیه شون داشته باشن، پسرا هم که تا مدرک دانشگاهی، شغل حسابی، ماشین و خونه مستقل نداشته باشن نمی‌تونن ازدواج کنن، اکثر این هزینه‌ها هم بر دوش والدینه.»

زیر مقوله بعدی مواجهه با ارزش‌های متعارض نام دارد و بیانگر انواع دغدغه‌های تربیتی والدین و تعارض بین ارزش‌های اخلاقی مذهبی خانواده با انتظارات نقش‌ها و ارزش‌هایی که گروه‌های اجتماعی و جامعه به فرد منتقل می‌کند. این زیر مقوله از مفاهیمی شامل مسائل تربیتی، کاهش باورهای دینی فرزندان، کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی تفاوت نسلی جهان‌بینی والدین و فرزندان، عدم آشنایی والدین در مورد شیوه تربیت نسل جدید، فضای مجازی افسار گریخته، تعامل با گروه همسالان ناشناس، عدم تطابق مهارت‌های والدینی با واقعیات پیش رو، تردید در مورد اولویت ادامه تحصیل و کسب شغل، تفاوت در ارزش‌های ازدواج و همسرگزینی والدین و فرزندان، سست شدن کنترل والدین بر فرزندان، کاهش گفتمان خانوادگی استخراج شده است. از نظر پاسخگویان این مطالعه شیوه‌های تربیتی کودک در گذر زمان دگرگون شده است. در گذشته -کودکی پدران و مادران ما- پدر قدرت برتر خانواده محسوب می‌شد و مادر زیردست و فرمان‌بردار او و کودکان مطیع هردو بودند. والدین انتظار داشتند کودکان اطاعتی بی‌چون و چرا داشته باشند، اما با گذر زمان علاوه بر تغییر روابط اعضا درون خانواده، شیوه‌های تربیت فرزندان نیز دستخوش تغییراتی شده است به گونه‌ای که والدین انعطاف‌پذیری بیشتری دارند و فرزندان استقلال بیشتری را می‌طلبند. همان‌گونه که می‌دانیم چگونگی تعامل والدین با فرزند در دوره‌های مختلف زندگی تأثیرات متفاوتی بر رشد شخصیت او می‌گذارد. کنش متقابل و روابط عاطفی بین والدین و فرزندان، به روابط اجتماعی او در آینده شکل داده و نحوه برخورد والدین با کودک در چگونگی اجتماعی شدن و کسب مهارت‌های اجتماعی فرزندان تأثیر می‌گذارد. با این حال پاسخگویان این مطالعه به سست شدن نقش والدین در تربیت فرزندان و یا ناآگاهی و ناآشنایی آن‌ها به مقتضیات این زمان اشاره داشتند و آن را منشأ مسائل و چالش‌های متعددی برای خود و فرزندان می‌پنداشتند. به نظر یکی از پاسخگویان در وجود انسان انگیزه‌ها و گرایش‌هایی است که برخی از آن‌ها از جنبه جسمی او سرچشمه می‌گیرند و برخی از بعد روحش. در حقیقت، انسان هم نیازهای مادی و جسمی دارد و هم نیازهای معنوی و روحی. والدین موفق کسانی هستند که در تربیت فرزند به هر دو نیاز آن توجه کنند و با برآوردن نیازهای روحی و جسمی او، هم به پرورش روح او اهتمام ورزند و هم به پرورش جسمش. برای نمونه مرجان (۳۸ ساله، دکتری و شاغل)، درباره لزوم توجه والدین به تربیت همه‌جانبه فرزند می‌گوید:

«برای داشتن یک کودک سازگار و متعادل، والدین باید سلامت جسمی و نوع

تغذیه فرزند را مراقبت کنند و غرایز و استعدادها هم در سایه رشد و پرورش بدنی سالم، بهتر تعدیل پیدا می کنند. ...وظیفه اصلی خانواده، تنها تغذیه و پرورش جسمی کودک نیست، بلکه رشد و پرورش روحی و روانی او نیز از اهمیت ویژه‌ای داره و ناآگاهی و بی توجهی والدین نسبت به تربیت روحی و روانی فرزند می تواند زمینه بروز انواع رفتار نابهنجار و بزه را در فرزند به وجود بیاورد.»

درواقع از نظر پاسخگویان این مطالعه، یکی از مهم ترین تحولات، برجسته تر شدن تفاوت های ارزشی میان فرزندان و والدین است که موجب شده خانواده ها در معرض چالش های جدی قرار گیرند. تفاوت بین نسلی به معنای وجود تفاوت قابل توجه دیدگاه در دو نسل والدین و فرزندان در ابعاد مختلف زندگی نظیر انتخاب همسر، سبک زندگی، اعتقادات و باورهای مذهبی و نقش های جنسیتی و خانوادگی است. نگرش های والدین و درونی شدن ارزش ها در خانواده می تواند، در ایجاد یک نظام ارزشی پایا و باثبات در فرزندان مؤثر باشد. هر قدر بین نگرش ها و ارزش های والدین و فرزندان همسانی بیشتری باشد، فرزندان کمتر با بحران ارزشی و فاصله بین نسلی مواجه می شوند. مرصیه (۳۰ ساله، کارشناسی و خانه دار) درباره تفاوت بین نسلی در خانواده ها می گوید:

«تأخیر در ازدواج و به تعویق انداختن فرزند آوری که امری عادی در زندگی جوانای ما شده، یکی از پیامدهای مهمش ایجاد فاصله سنی بین والدین و فرزندان و فاصله بین نسلیه. به همین علت هیچ یک از طرفین حرف همو نمی فهمن...»

پاسخگویان زیادی (حدود ۲۰ نفر) به سست شدن و کمرنگ شدن باورها و اعتقادات دینی نسل های جدید اشاره داشتند و در واقع یکی از مخاطرات مرتبط با فرزند آوری در عصر حاضر را به این موضوع نسبت می دادند. آن ها به اهمیت نقش خانواده در تقویت دین مدار بودن فرزندان تأکید داشتند. از نظر آن ها نهاد خانواده به عنوان اولین کانونی که کودکان در آن پرورش می یابند، نقش اساسی در امر تربیت دینی دارد و تربیت، تکلیفی است که در گام های اول به عهده والدین است. نعیمه (۲۵ ساله، کارشناسی ارشد، دانشجو) درباره اهمیت توجه به باورهای دینی در تربیت صحیح فرزند و سختی آن در جامعه امروز می گوید:

«بشر همواره به دنبال سعادت و خوشبختیه و از نظر ما مسلمانان، سعادت واقعی در گرو دین و دینداریه و دین اسلام، زندگی و سعادت دنیا و آخرت ما را تأمین می کند. ما این رو باور داریم و باید این باور رو به فرزندان و جوانان مون منتقل کنیم که با دین داری واقعی، استعدادهای ما شکوفاتر میشه. با دین داری می توانیم در

روابط خانوادگی، تفاهم و سازگاری بهتری داشته باشیم. ...فرزندان ما همان چیزی می‌شوند که ما هستیم، نه آن‌طور که دلمان می‌خواهد پس باید در تربیت آن‌ها به مسائل گوناگونی توجه داشته باشیم با این حال در شرایط امروز این کار راحت نیست» از نظر پاسخگویان این مطالعه طی دهه‌های اخیر اطلاعات جدید و فناوری‌های ارتباطی تغییرات زیادی کرده است و افراد تعاملات زیادی با دنیای اطراف خود دارند؛ فضای مجازی، فرصت‌های زیادی را در امر آموزش، به اشتراک‌گذاری و ارتباط ارائه می‌دهد که تا قبل از آن ممکن نبود. رشد روزافزون فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از جهات گوناگون موجب شده است که ابعاد هویت و سلامت روان افراد جامعه تحت تأثیر قرار گیرد. معصومه (۴۸ ساله، سیکل و خانه‌دار) درباره دغدغه‌هایی که خانواده‌ها برای فرزندانشان دارند می‌گوید:

«بیشتر خانواده‌های اصیل یزدی نگران تربیت اخلاقی و دینی فرزندانشون هستن. اینکه آداب و رسوم را رعایت کنند و برای آینده شون از نوجوانی و جوانی خوب هدایت بشن، درست برنامه ریزی کنن و در کل آدمای موفق‌تری بشن که هم برای خانواده و هم شهر و مملکتشون باعث افتخار باشن»

زیر مقوله دیگر آینده پرمخاطره فرزندانش نام دارد که از ارتباط مفاهیمی همچون مخاطرات فضای مجازی بر سلامت روان فرزندانش، گروه همسالان و دوستان ناباب، آسیب‌های فضای مجازی، رفتارهای پرخطر جنسی، آینده نامعلوم شغلی، جذب مشاغل ناسالم و کاذب، درگیر شدن در باندهای فساد و مواد مخدر، مسئله ازدواج و همسرگزینی، کم‌اهمیت شدن سهم خانواده در انتخاب همسر، روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج، تأخیر سن ازدواج دختران و پسران استخراج شده است.

دغدغه داشتن کار و شغل مناسب فرزندانش از موضوعات پرتکرار در این مطالعه است. از نظر آن‌ها داشتن کار مناسب معمولاً برای فرد و خانواده او اهمیت اقتصادی، اجتماعی و روانی را به دنبال دارد. آن‌ها چشم‌انداز روشنی برای فرزندانشان خود در زمینه داشتن شغل مناسب نمی‌دیدند. از نظر آن‌ها داشتن شغل نشانه رشد فرزند و عبور آن‌ها از دوران کودکی و ورود به مرحله بزرگسالی است که فرآیند پذیرش آن‌ها در جامعه و جایگاه و منزلتشان در جامعه، اعتمادبه‌نفس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نبود بسترهای مناسب شغلی برای جوانان جویای کار به‌عنوان یک دغدغه و نگرانی اصلی برای شرکت‌کنندگان این مطالعه بود. فرخنده (۵۴ ساله، ابتدایی و خانه‌دار) درباره آینده شغلی نامعلوم فرزندانش می‌گوید:

«دو تا از بچه‌های من با اینکه تحصیلات دانشگاهی هم دارن ولی شغل ثابتی

ندارن. یه روز سر این کار یه روز سر یه کار دیگه هستن، خیلی از وقتا هم بیکارن. این وضعیت برای ما واقعاً عذاب آورده. تا کی یه جوون توی این وضعیت میتونه سالم بمونه و آسیب نبینه؟»

برخی از پاسخگویان بر مسئله ازدواج و همسرگزینی جوانان و اهمیت بعد اقتصادی در ازدواج تمرکز داشتند. آن‌ها علاقه و تلاش برای وارد شدن به آموزش عالی، دستیابی به موقعیت‌های بهتر، استقلال اقتصادی دختران و پسران و میل به زندگی مستقل از خانواده که ملازم با هزینه بالای تهیه مسکن و دیگر مایحتاج است و همچنین به تغییر نگرش جوانان نسبت به ازدواج رابطه با جنس مخالف اشاره داشتند. معصومه (۴۸ ساله، سیکل و خانه‌دار) درباره مسئله ازدواج و همسرگزینی و هزینه‌های بالای تشکیل زندگی برای جوانان می‌گوید:

«امروزه مسئله ازدواج و انتخاب همسر یکی از دغدغه‌های والدین و جوان‌هاست، به‌غیراز نگرانی‌هایی که برای انتخاب یک همسر مناسب و اهل زندگی برای فرزندان وجود داره، مشکلات مربوط به تهیه مقدمات زندگی مشترک، جهیزیه، مسکن و شغل مناسب و ثابت ازدواج را به معضلی تبدیل کرده که خیلی از خانواده‌ها از حل اون عاجز موندن. عمر جوونها داره بیهوده تلف میشه و از طرفی هم به خاطر فراهم نبودن زمینه ازدواج، فساد و فحشاء داره تو جامعه زیاد و عادی میشه.»

شیوع رفتارهای پرخطر، یکی از نگرانی‌های اصلی و مهم افراد نمونه است از نظر آن‌ها این رفتارها سلامت جوان‌ها را به مخاطره می‌اندازد. بر اساس نظر پاسخگویان این مطالعه هرچند که هیچ‌یک از بخش‌های جامعه از عواقب ناگوار رفتارهای تهدیدکننده سلامت در امان نیست، اما نوجوانان در معرض خطر بیشتری قرار دارند. آنها به موارد زیادی از مصرف مواد، خشونت و رفتارهای جنسی پرخطر مرگ و میر اطرافیان به دلیل این رفتارهای پرخطر اشاره داشتند. آسیه (۴۲ ساله، سیکل و خانه دار) درباره نگرانی‌های خانواده اش درباره شرایط نگران کننده‌ای که پسر دانشجویانشان در آن قرار گرفته می‌گوید:

«پسرم که دانشگاه قبول شد، چون خارج استان بود باید می‌رفت خوابگاه. یه وقتایی خودش تعریف می‌کنه که چه خبره توی خوابگاه و دانشگاه، میگه توی خوابگاه بیشتر پسرا سیگار می‌کشن حتی بعضیاشون مواد مخدر و خیلی چیزای دیگه مصرف می‌کنن. از دوست دختراشون و رابطه‌هایی که بعضی از پسرا با دخترا دارن میگه. من که مو بر تنم سیخ شده! خیلی نگران پسرمون هستیم. البته ما سعی کردیم پسرمون را خیلی خوب تربیت کنیم ولی اون محیط شرایط خیلی بدی هست...»

نقل قول‌های بالا همگی حکایت از این داشت که خانواده‌ها ضمن اینکه فرزندان را مایه امنیت و اطمینان می‌دانند باین حال فرزند آوری را به‌مثابه امر پرخطری می‌دانند. تا اینجا ما دو نوع نگاه به فرزند و فرزند آوری را در بین پاسخگویان مشاهده نمودیم. در ادامه از آن‌ها خواستیم توضیح دهند با در نظر داشت این دو نوع نگاه و در چنین بستری تصمیمات آتی باروری آن‌ها چگونه شکل می‌گیرد؟

پاسخگویان این مطالعه بر این باور بودند که داشتن یک یا دو فرزند می‌تواند اطمینان بخشی به والدین و تجربه ارزش‌های مثبت فرزند آوری را تأمین کند لذا آن‌ها تلاش کرده یا می‌کنند حداقل دو تا سه فرزند را داشته باشند. لیکن مخاطره‌های آتی مرتبط با فرزند آوری آن‌ها را به این جنبه از واقعیت سوق می‌دهد که با داشتن فرزند کمتر زندگی بهتری خواهند داشت، لذا عموماً باروری خود را در دو و سه فرزند متوقف می‌کنند. آن‌ها مفاهیمی نظیر عقلانیت، کیفیت بالاتر، ارتقاء استانداردهای زندگی، چشم‌انداز مبهم را در ارتباط با تصمیمات باروری خود مطرح کردند. با توجه به تکرار و تشابه نظرات پاسخگویان در این خصوص به یکی از نقل قول‌ها (پریسا ۲۵ ساله، کاردانی، ۲ فرزند) به‌عنوان شاهد مطالعه ارائه می‌شود.

«دیگه دو تا بچه را هم بتوانیم سامان بدهیم هنر کردیم حس غریزی من برای مادر شدن و همسرم برای پدر شدن تأمین شده ما رشد خودمان را در رشد آن‌ها می‌بینیم و امید داریم این بچه‌ها قدردان محبت و زحمات ما باشند و منطق ما حکم می‌کند که فرزند بیشتری نداشته باشیم».

نتیجه‌گیری

باروری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحولات جمعیتی و از مهم‌ترین شاخص‌های جمعیتی است که نقش عمده‌ای در دگرگونی کمی و حتی کیفی جمعیت هر کشور ایفا می‌کند. فرصت‌ها و انگیزه‌های باروری در جوامع مختلف متفاوت بوده و شرایط زمانی، مکانی، اقتصادی و الگوهای فرهنگی، اجتماعی، جمعیتی و... از جمله عواملی هستند که می‌توانند نقش مؤثری در باروری داشته باشند.

استان یزد از جمله استان‌هایی است که باروری بالاتر از سطح جانشینی و حدود ۲/۳ فرزند به ازای هر زن را دارا می‌باشد (مرکز آمار ایران ۱۳۹۹) شناخت دلایل باروری بالاتر استان یزد، می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها و مداخلات مربوط به افزایش باروری مؤثر باشد. از این‌رو در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی به شناخت درک و تفسیر زنان متأهل یزدی از فرزند آوری پرداخته شد.

ادبیات تحقیق حاکی از این بود که رویکرد زنان، به‌عنوان عاملان اصلی در فرایند باروری، در استان‌هایی که باروری پایین را تجربه می‌کنند، فرزند آوری به‌مثابه خطر است. در این مطالعه از سؤالات و اهداف مطالعه این بود که زنان یزدی فرزند آوری را چگونه درک می‌کنند؟ آیا آن‌ها نیز به مخاطرات فرزند آوری توجه دارند و آیا این مخاطرات نقشی در فرایند تصمیمات باروری آن‌ها داشته است؟

چنانچه دیدیم مقوله هسته این مطالعه «فرزند آوری، دوگانه انگاری مخاطره و اطمینان» است شده که از دو مقوله اصلی شامل تأملات معنا بخش و اطمینان آفرین و مخاطرات فرزند آوری احصاء شده و بیانگر این است که فرزنددارشدن از علائق و اهداف اصلی زنان متأهل یزدی است و ارزش فرزندان منتج از ظرفیتشان برای کاهش عدم اطمینان برای زنان و افزایش انسجام زناشویی برای زوجین است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش بیان کردند که با ورود فرزند به زندگی مشترکشان، آنان احساس می‌کنند به‌جز همسرشان پشتوانه‌ای دیگری یافته‌اند که همیشه می‌تواند به آن امیدوار و دل‌خوش باشند. به خاطر تجربه حس خوب والدینی و پیدا کردن جایگاه مادری احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و در همین راستا نهایت گذشت و ایثار را نسبت به فرزندان خوددارند و خوشبختی و سعادت آنان نهایت آرزویشان است. والدین بقاء نسل و امتداد نام و نشان خانوادگی خود را در وجود فرزندان و نوادگان می‌بینند و چنانچه فرزند موفق‌تری را به جامعه تحویل دهند، موجبات افتخار و سربلندی خانواده را نیز فراهم می‌سازد. زنان شرکت‌کننده در این مطالعه به نقش فرزند آوری در رشد و تکامل ابعاد روحی و معنوی خود اشاره داشتند. آن‌ها را مایه خیروبرکت و خشنودی خداوند و ائمه می‌دانستند و داشتن فرزند صالح را به‌عنوان وسیله‌ای برای پاداش آخرت می‌پنداشتند. در مجموع این درک از فرزند آوری از معنا بخشی و اطمینان بخشی فرزند در نگاه زنان یزدی اشاره دارد. این یافته‌ها با نظریه فریدمن (۱۹۹۴) در مورد ارزش فرزند و نتایج پژوهش‌های رئیسی (۱۳۷۶)، مایر و ترامسدورف^۱ (۲۰۱۰) و میلر^۲ (۱۹۹۵) و رازقی نصرآباد و سرایی (۱۳۹۳) همسوست.

باین‌حال یافته‌های مطالعه نشان داده والدین قبل از تصمیم به فرزند آوری خود را در فضایی از ریسک و مخاطره می‌بینند به نظر آن‌ها یک پدر و مادر متعهد در ابتدای امر باید پذیرای مسئولیت سنگین والدینی خود باشند. اضطراب و استرس

1. Mayer, B. and G. Trommsdorff

2. Miller.

فراوان قبل از بارداری در این مطالعه، معاینات پزشکی متوالی و مکرر بارداری، استرس‌های مواجه‌شدن با واقعیت نازایی و ناباروری، هزینه‌های بالای درمان ناباروری و زایمان از جمله هزینه‌های روانی و مالی دوران قبل از تولد فرزند است. امروزه با تولد فرزند هزینه‌های متعددی شامل هزینه شیر خشک، پوشک، خوراک، پوشاک و درمان به سایر هزینه‌های اضافه می‌شود. به تدریج و با افزایش سن هزینه‌های مهدکودک و آموزش‌های دوران پیش از دبستان و به تدریج تحصیل در دوره‌های مختلف آموزشی از دبستان تا دانشگاه به همراه هزینه‌های گذران اوقات فراغت و تفریحات فرزندان از دیگر موارد مهمی است که باید توسط والدین برای تربیت باکیفیت یک فرزند در جامعه امروزی صرف شود. به مرور افزایش سن فرزندان و ورود به مرحله جوانی و تصمیم برای ازدواج و تشکیل زندگی مشترک، دغدغه ایجاد شغل پسران و تهیه جهیزیه دختران هم به سایر هزینه‌های فرزند آوری افزوده می‌شود. در تمام مراحل والدین مجبورند هم به لحاظ احساسی و روانی و هم مالی برای تأمین آتیه و سروسامان دادن فرزندان هزینه‌های زیادی بپردازند. از این‌رو برخی از مشارکت‌کنندگان معتقدند که به جهت هزینه‌های زیادی که فرزند آوری بر دوش والدین تحمیل می‌کند و منفعت درحالی که کاهش فرزندان، تداوم باروری با چالش همراه است. درواقع همسو با مطالعه آقا یاری و دیگران (۱۳۹۵) و محمودیان و دیگران (۱۳۸۸) تصمیمات فرزند آوری در فضایی مخاطره‌آمیز اتخاذ می‌گردد. بانوان یزدی شرکت‌کننده در این مطالعه نیز معتقدند که شرایط اقتصادی مانعی جدی بر سر راه فرزند آوری زوجین است. امروزه خانواده‌ها به‌واسطه فرزند دار شدن متحمل مخارج زیادی می‌شود که استرس و فشار زیادی را برای والدین ایجاد می‌کند به‌گونه‌ای که برخی از زوجین به این باور رسیده‌اند که وقتی شرایط اقتصادی برای خودشان هموار و مناسب نیست، تداوم فرزند آوری به اشاعه فقر و تداوم آن کمک می‌کند و در این شرایط اقتصادی، زندگی بهتر برایشان میسر نمی‌شود مگر با داشتن فرزند کمتر. بانوانی هم هستند که به خاطر بی‌ثباتی شغل و درآمد و احتمال بیکاری شوهرشان تمایلی به باروری ندارند. آن‌ها به خاطر فشارهایی که احتمال می‌دهند به خاطر نداشتن مسکن مستقل و اجاره‌نشینی، کوچک بودن منزل و نبود فضای کافی برای تربیت صحیح فرزند و سایر هزینه‌های هم بر خودشان و هم فرزندان وارد شود از فرزند آوری واهمه دارند، زیرا معتقدند با شرایط موجود نمی‌توانند بین دخل و خرجشان تعادل برقرار کنند و مخارج زندگی‌شان، بیش از درآمدشان است. لیبینشتاین (۱۹۷۵) در نظریه هزینه‌ها و منافع فرزندان معتقد است که هزینه‌ها و

منافع اقتصادی فرزندان تعیین می‌کند که والدین در مورد تعداد فرزندان که قصد دارند داشته باشند تصمیم‌گیری نمایند. نتایج مطالعات نظری ندوشن (۱۳۹۴)، عباسی شوزای و دیگران (۱۳۸۳)، محمودیان و پوررحیم (۱۳۸۱) با این یافته پژوهش همسوست که بیان می‌کنند با افزایش سطح تحصیلات و شهرنشینی، مطلوبیت فرزندان کاهش می‌یابد.

از نگرانی‌های مهم دیگر مشارکت‌کنندگان در بحث تربیت فرزندان، توجه به رشد روزافزون فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از جهات گوناگون است که موجب شده ابعاد هویت و سلامت روان افراد به‌خصوص فرزندان نوجوان را تحت تأثیر قرار دهد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش بیان کردند که می‌توان با آشنایی بیشتر با سازوکار تأثیر این فناوری‌ها بر نظام‌های هویتی و سلامت روان، نقش مؤثرتری در پیشگیری از آثار و پیامدهای منفی آن بر سلامت روانی فرزندان ایفا نمود. نتایج این مطالعه نشان داد دیدگاه والدین امروزی به آینده فرزندان، از دیدگاه‌های نسل گذشته متفاوت است، والدین نگرانی زیادی در مورد وضعیت کنونی و آینده فرزندان خود دارند و خود را متعهد و مسئول فرزندان در تمام مراحل زندگی می‌دانند. دستیابی به سطوح تحصیلی و شغلی بالاتر فرزندان از آرمان‌های والدین است. در نمونه مورد مطالعه نگرانی از دستیابی به وضعیت مطلوب فرزندان به یک سطح از زندگی استاندارد به‌عنوان یک دغدغه و نگرانی اصلی مطرح است. همان‌گونه که برخی از زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش به این نکته اذعان داشتند که بسیاری از زوجین جوان به خاطر نداشتن شغل و درآمد امیدوارکننده تمایلی به داشتن فرزند زیاد ندارند آن‌ها به امید آینده بهتر فرزند آوری را به تأخیر انداخته و یا به داشتن یک یا دو فرزند اکتفا کرده‌اند. این یافته‌ها با رویکرد اجتناب از خطر و مطالعات فیوری و همکاران (۲۰۱۳) و جنسن و اسمیت^۱ (۱۹۹۰) همسو می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین تحولات، برجسته‌تر شدن تفاوت‌های ارزشی میان فرزندان و والدین در جریان تحولات فرهنگی و اجتماعی دهه‌های اخیر است. تفاوت دیدگاه در دو نسل والدین و فرزندان در ابعاد مختلف زندگی نظیر انتخاب همسر، سبک زندگی، اعتقادات و باورهای مذهبی و نقش‌های جنسیتی و خانوادگی از دغدغه‌هایی است که برخی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش برشمردند. در رابطه با نگرانی‌های مشارکت‌کنندگان در زمینه مسائل تربیتی فرزندان دختر، به مواردی از قبیل اشتباه

والدین در تربیت دختران، اولویت ادامه تحصیل و احراز شغل، تأمین جهیزیه دختران، ازدواج درست و یافتن همسر مناسب، عدم آشنایی با مهارت‌های زندگی زناشویی، تأخیر فرزند آوری دختران متأهل، فرزند آوری پایین دختران ازدواج کرده اشاره شد که این نگرانی‌ها برای فرزندان پسر بیشتر شامل مواردی از قبیل تأثیرپذیری از گروه همسالان و دوستان ناباب، آسیب‌های فضای مجازی، رفتارهای پرخطر جنسی، جذب مشاغل ناسالم و کاذب شدن و ورود در باندهای فساد، قاچاق و مواد مخدر است.

یکی از سؤالات و اهدافی که این مطالعه دنبال می‌کرد این بود که چرا زنان یزدی نسبت به بسیاری از استان‌های کشور باروری بالاتری دارند. با تحلیل مصاحبه‌های انجام شده می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که فرزند آوری برای زنان یزدی یک انتخاب پیچیده و البته خواستنی است که عوامل متفاوتی بر این انتخاب و زمان‌بندی فرزند آوری تأثیرگذار است. بسترهای اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و حتی مذهبی در تصمیم‌گیری زوجین برای اقدام به فرزند آوری نقش ایفا می‌کنند برای آن‌ها پدر و مادر شدن و تشکیل خانواده ارزش بالایی دارد به نحوی که گرچه آن‌ها نیز شرایط نامناسب اقتصادی نظیر بی‌ثباتی اقتصادی، ناامنی شغلی، بیکاری و درآمدهای ناکافی را در نظر دارند، لیکن بستر اجتماعی و فرهنگی این استان مانع از رسیدن باروری به سطوح پایین شده است. کنش‌های باروری زنان نه تنها مبتنی بر ارزیابی شرایط حال و آینده خود برای افزایش سودمندی و رفاه خانواده صورت می‌گیرد، بلکه این رفتارها از ساختار اجتماعی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد. افزایش سطح تحصیلات، دستیابی به شغل مناسب و بهبود موقعیت اجتماعی زنان از طریق کاهش سودمندی فرزندان و افزایش هزینه‌های فرزند آوری، تأکید بیشتر به کیفیت فرزند را جانشین کمیت فرزند آوری نموده و زمینه‌ساز گرایش خانواده‌ها به سمت فرزند آوری پایین شده است. با افزایش سطح تحصیلات زنان و دستیابی به فرصت‌های شغلی بیشتر، زنان زمان وقوع اولین فرزند را به تعویق می‌اندازند، ولی به دلیل تأثیر بستر نهادی و اجتماعی حاکم بر شهر یزد، بی‌فرزندگی و حتی تک‌فرزندگی در بین خانواده‌ها حمایت نمی‌شود.

در پایان، بیان این نکته ضروری است که بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ «میزان باروری کل» مناطق شهری استان یزد با رقمی برابر با ۲/۴۴ فرزند نسبت به سرشماری ۱۳۹۰ با ۲/۱ فرزند، افزایش ۰/۳۴ فرزند را نشان می‌دهد، با این حال نباید از تأثیر نیروی محرکه رشد جمعیت و گشتاور جمعیتی متولدین دهه ۱۳۶۰ در ایجاد این وضعیت موقتی غافل بود. تداوم این

سطح از باروری در استان یزد ارتباط زیادی به بستر اقتصادی اجتماعی کشور و استان دارد و اتخاذ سیاست‌ها و حمایت‌های دولت از زوجین جوان و خانواده و تسهیل شرایط ازدواج و فرزند آوری تضمین‌کننده تداوم این شرایط خواهد بود. به بیانی دیگر در صورت ایجاد زمینه‌های لازم برای ازدواج به‌هنگام و آسان نسل جوان می‌توان امیدوار بود که میزان باروری کل استان و شهر یزد همچنان روند مثبت خود را حفظ کند.

پیشنهاد‌های پژوهشی و سیاستی

- با توجه به اینکه استان‌های مختلف ایران به جهت بافت قومیتی و فرهنگی متفاوتی که دارا هستند، در سطوح متفاوت باروری قرار دارند؛ پیشنهاد می‌شود که به‌منظور دستیابی به نتایج بهتر و دقیق‌تر در مورد وضعیت و تجربه زیسته زنان از رفتار باروری و تعیین‌کننده‌های آن، تحقیقاتی کیفی توسط پژوهشگران و سازمان‌های سیاست‌گذار در حوزه جمعیت به‌صورت منطقه‌ای و استانی صورت گیرد.
- با در نظر گرفتن نقش بی‌بدیل مردان در تصمیم‌گیری‌های درون منزل و همچنین در خصوص فرزند آوری، مطالعه تجربه زیسته پدران یزدی در زمینه فرزند آوری و فرزند پروری پیشنهاد می‌شود.
- با توجه به تأثیر بافت فرهنگی و عوامل نهادی و اجتماعی حاکم بر شهر یزد، در خصوص عدم حمایت از بی‌فرزندگی و حتی تک‌فرزندگی در میان خانواده‌ها، برنامه‌ریزی جهت آماده‌سازی بسترهای حمایتی از زوجین جوان یزدی در سطوح کلان (برنامه‌های تشویقی در راستای ازدواج جوانان و حمایت‌های ویژه از زنان شاغل در راستای فرزند آوری) و میانی (تداوم حمایت‌های والدین از زوجین جوان)، ضروری است.
- استفاده از ظرفیت مساجد و تشکل‌های مردمی (سمن‌ها، پایگاه‌های بسیج مردمی، خیریه‌ها) برای فرهنگ‌سازی و توسعه فرهنگی در جهت تبیین و تبلیغ مباحث جمعیتی ارزش‌گذاری ازدواج، خانواده و فرزند آوری و تقبیح تجرد و سقط جنین پیشنهاد می‌شود.
- ایجاد فیلم‌ها، سریال‌ها، پویانمایی‌ها، مسابقات، سرگرمی‌های مختلف و بازی‌های کامپیوتری که پیام‌های مثبتی در مورد خانواده و ازدواج، فرزند آوری و مباحث جمعیتی منتقل نمایند.

- ارائه پیام‌های مثبت در مورد ازدواج و فرزند آوری از سوی نخبگان جامعه و رهبران مذهبی جهت تبیین و اقناع‌سازی و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری کلیه آحاد جامعه پیرامون موضوعات جمعیت اهمیت دارد.
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مراکز بهداشتی در خصوص مباحث ازدواج و فرزند آوری و شیوه‌های رفع مسائل و مشکلات مرتبط با خانواده و فرزند پروری.
- توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کشور باعث بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و تشویق مردم به فرزند آوری می‌شود. در این راستا نیز موارد زیر پیشنهاد می‌شود:
 - فراهم کردن فرصت‌های شغلی و تأمین امنیت شغلی برای جوانان در کشور
 - برقراری نظام منسجم و پایدار سیاست‌های حمایت از خانواده و فرزند آوری و اختصاص بودجه مستقل و تأمین مالی آن
 - حمایت مالی از زوجین جوان برای تأمین مسکن
 - حمایت‌های مالی مستقیم برای کاهش هزینه فرزند و فرزند آوری نظیر ارائه تسهیلات ویژه و کمک‌های معیشتی مناسب از طرف دولت به خانواده‌های دارای فرزند
- ارائه یارانه‌های مختلف برای نیازهای اساسی مرتبط با کودکان

فهرست منابع

- آقایی هیر، توکل، فرخی نگارستان، مینا، لطیفی مجره، صدیقه (۱۳۹۵)، فرزندآوری به مثابه مخاطره، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۹ (۷۳): ۳۳-۸.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روشهای پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- حسینی، حاتم (۱۳۹۲). جمعیت شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده، چاپ پنجم، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- حسینی، حاتم، بگی، بلال (۱۳۹۱). فرهنگ و فرزندآوری: بررسی تمایلات باروری زنان کرد شهر مهاباد، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۵ (۵۸): ۱۶۱-۱۲۱.
- حسینی، حاتم، بگی، بلال (۱۳۹۳)، تعیین کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی- درمانی همدان (۱۳۹۱)، *ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، ۱۸ (۱): ۴۳-۳۵.
- حمیدی فر، مهدی، کنعانی، محمدمین، عبادالهی چندانق، حمید (۱۳۹۶). دیدگاه بی‌فرزندان ارادی درباره فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۸ (۳): ۵۰-۲۵.
- رازقی نصرآباد، حجه بی بی. (۱۳۹۵). چگونگی تأثیرگذاری تحصیلات زنان بر تأخیر در فرزندآوری: نتایج یک مطالعه کیفی در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵ (۳): ۱۹۰-۱۶۷.
- رازقی نصرآباد، حجه بی بی، حسینی چاوشی، میمنت، عباسی شوازی، محمد جلال. (۱۴۰۰). تأثیر نگرش و تقسیم کار جنسیتی روی فاصله تولد اول تا دوم در شهر تهران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۲ (۲)، ۱-۲۸.
- رازقی نصرآباد، حجه بی بی، سرایی، حسن. (۱۳۹۳). تحلیل کوهورتی (نسلی) نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۲ (۲): ۲۵۰-۲۲۹.
- رستمی، میلاد، ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵). مطالعه بیکاری از نگاه بیکاران روستایی و پیامدهای آن. *فصلنامه توسعه*، ۱۱ (۱): ۱۰۲-۷۳.
- رضوی‌زاده، ندا، غفاریان، الهه، اخلاقی، آمنه (۱۳۹۴). زمینه‌های کم فرزندطلبی و

تأخیر در فرزندآوری مورد مطالعه: زنان مشهد. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ. ۱۳۱(۳۱): ۹۱-۷۳.

رفعت جاه، مریم، ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). زنان و باز تعریف هویت اجتماعی، نشریه جامعه شناسی ایران. ۲(۵): ۱۶۰-۱۳۳.

رئیس، عنایت ا... (۱۳۷۶). "بررسی پدیده فرزندخواهی و ارزشهای مثبت و منفی کودکان برای والدین"، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شیراز.

عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴)، تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵، ص ۲۵-۷۵

عباسی شوازی، محمدجلال، حسینی چاووشی، میمنت، مکدونالد، پیتر و بهرام دلاور (۱۳۸۳)، تحولات باروری در ایران شواهدی از چهار استان منتخب، تهران: وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی.

فاضلی، الهام، ناهید گل‌مکانی، علی تقی پور، محمدتقی شاکری (۱۳۹۳)، ارتباط ارزش فرزند با میزان باروری در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی، مجله زنان مامائی و نازائی ایران، ۱۷(۱۰۸): ۲۷-۲۱.

فتحی الهام، گزارش چشم اندازی به باروری در ایران از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸، درگاه ملی آمار، بخش گزارش های تحلیلی. قابل دسترس در: <https://www.amar.org.ir>

فلیک، اووه (۱۳۹۰). درامدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نی. محمدپور، احمد (۱۳۸۹). فراروش: بنیانهای فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری. تهران: جامعه شناسان.

محمودیان، حسین و محمدرضا پوررحیم (۱۳۸۱). ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری: مطالعه موردی شهرستان بهشهر. فصلنامه جمعیت، ۴۱: ۱۰۳ - ۸۹.

محمودیان، حسین، احمد محمدپور و مهدی رضایی (۱۳۸۸)، زمینه های کم فرزندآوری در استان کردستان، مطالعه ی موردی شهر سقز، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۴(۸): ۱۲۲-۸۵.

محمودیان، حسین، رضایی، مهدی. (۱۳۹۱). زنان و کنش کم فرزندآوری مطالعه ی موردی زنان گُرد. مطالعات راهبردی زنان ۱۴(۵۵). ۲۲۵-۱۷۳.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۰) روند میزان باروری در ایران از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ قابل دسترس در https://amar.org.ir/Portals/0/amarmozuui/infographics/Fc-iran_1399.jpg

نظری‌ندوشن، حمیده (۱۳۹۴)، مطالعه ارزش فرزند در نزد زنان یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جمعیت‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد.

Abbasi Shavazi, Mohammad Jalal and Abbas Askari Nadoshan (2004), Family Changes and Fertility Decline in Iran: A Case Study of Yazd Province, *Journal of Social Sciences Letter*, 25: 75-25. (in Persian).

Abbasi Shavazi, Mohammad Jalal, Hosseini Chavoshi, Mement, Macdonald, Peter and Bahram Delavar (2004), Fertility Developments in Iran Evidence from Four Selected Provinces, Tehran: Ministry of Health and Medical Education. (in Persian).

Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P. and M. Hosseini Chavoshi (2009) "The Fertility Transition in Iran: Revelation and Reproduction", Springer.

Aghayari Hir, T., Farokhi Nekarestan, M., & Latifi Mojreh, S. S. (2016). Childbearing as Risk: (Qualitative Study of Milieu for Bearing Few Children in Tabriz City). *Women's Strategic Studies*, 19(73), 7-33. (in Persian).

Fathi Elham, Fertility Outlook Report in Iran from 2015 to 2018, National Statistics Portal, Analytical Reports Section. (in Persian).

Fazeli, E., Golmakani, N., Taghipour, A., & Shakeri, M. T. (2014). Relationship between value of children and fertility rate in womem referred to Mashhad helth centers. *The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*, 17(108), 21-27. (in Persian).

Fiori, F., Rinesi, F., Pinnelli, A., & Prati, S. (2013). "Economic insecurity and the fertility intentions of Italian women with one child". *Population Research and Policy Review*, 32(3), 373-413.

Flick, Uwe (1390). Income on qualitative research. Translation: Hadi Jalili. Tehran: Ney publication. (in Persian).

Friedman, D., Hechter, M., and Kanazawa, S. (1994). A theory of the value of children. *Demography* 31(3): 375-401.

Hamidifar, M., Kanani, M. A., & Abdollahi chanzanaq, H. (2017). Voluntary childless' sight on childbearing: A study in Rasht. *Sociological Cultural Studies*, 8(3), 25-50. (in Persian).

Hariri, Najala (2006). Principles and methods of qualitative research, Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Unit (in Persian).

Hosseini, H. & Bagi, B. (2014). Socioeconomic, cultural and demographic determinants of childbearing desires among married women attending health centers in Hamedan (2012), *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences*, 18(1), 35-43. (in Persian).

Hosseini, H., & bagi, B. (2013). Study of fertility desires of Kurdish

- women in city of Mahabad. *Women's Strategic Studies*, 15(58), 121-161. (in Persian).
- Hosseini, Hatem (2013). Socio-economic demography and family planning, 5th edition, Hamedan, Boali Sina University Press. (in Persian).
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. (2005) "Three Approaches to Qualitative Content Analysis." *Qualitative Health Research*, 15 (9): 1277-1288.
- Iran Statistics Center. (2021) Fertility rate trend in Iran from 2017 to 2020. available in: https://amar.org.ir/Portals/0/amarmozuii/infographics/Fer-iran_1399.jpg.
- Jensen, P., Smith N., (1990). Unemployment and Marital Dissolution, *Journal of Population Economics*, 3(3): 215-229.
- Leibenstein, Harvey (1975), the Economic Theory of Fertility Decline, the *Quarterly Journal of Economics*, 89(1): 1-31.
- Mahmoudian, H. and M. R. Pourrahim (2001). The value of children from the point of view of young couples and its relationship with fertility: a case study of Behshahr city. *Population Quarterly*, 41: 103-89. (in Persian).
- Mahmoudian, H., Mohammadpour, A. and Rezaei, M. (2008), low childbearing areas in Kurdistan province, a case study of Saqez city, *Journal of Population Association of Iran*, 4(8): 85-122. (in Persian).
- Mahmoudian, H., & Rezaei, M. (2012). Women and Low Childbearing Action: The Case Study of Kurdish Women. *Women's Strategic Studies*, 14(55), 173-225. (in Persian).
- Mayer, B. and G. Trommsdorff (2010). "Adolescents, Value of Children and Their Intentions to Have Children: A Cross-Cultural and Multilevel Analysis". *Journal of Cross-Cultural Psychology* 41(5-6): 671-689.
- McDonald, P. (1996) "Demographic Life Transitions: An Alternative Theoretical Paradigm", *Health Transition Review*, Supplement 6: 385-392.
- McNicoll, G. (1980). "Institutional determinants of fertility change." *Population and Development Review*, 6(3): 441-462
- Mohammad pour, A. (2009). *Trans-methodology: Philosophical and practical foundations of the mixed research method in social and behavioral sciences*. Tehran: Sociologists publication. (in Persian).
- Nazari Nadushan, Hamidah (2014), study of the value of children among Yazd women. Master's thesis in the field of demography. Faculty of Social Sciences, Yazd University. (in Persian).
- Neuendorf, Kimberly A. (2002). *Content Analysis Guidebook*. London: Sage publication.
- Patton, M. Q. (2002). *Qualitative research & evaluation methods*. Sage.
- Raisi, Enayat A... (1376). "Investigation of the phenomenon of filial piety and positive and negative values of children for parents", master's thesis in sociology, Shiraz University. (in Persian).
- Razavizadeh, N., Ghafarian, E., & Akhlaqi, A. (2015). *Grounds for Low Child Seeking and Delay in Child Bearing (Case Study: Mashhad*

- Women). , 8(31), 73-98. (in Persian).
- Razeghi Nasrabad HB, Abbasi-Shavazi, MJ and Moeinifar M (2020). Are we Facing a Dramatic Increase in Voluntary and Involuntary Childlessness in Iran That Lead to Lower Fertility? *Crescent Journal of Medical and Biological Sciences*, 2020 7(2): 212–219.
- Razeghi Nasrabad, H. B., & Saraei, H. (2014). A Cohort Analysis of Women's Attitude towards Value of Children in Semnan Province. *Woman in Development & Politics*, 12(2), 229-250. (in Persian).
- Razeghi Nasrabad, H. B., Hosseini Chavoshi, M., & Abbasi Shavazi, M. J. (2021). The Effects of Gender Role Attitudes and Role Division on the Second Birth Interval in Tehran. *Journal of Applied Sociology*, 32(2), 1-28. (in Persian).
- Razeghi Nasrabad, HB. (2016). Para Effect of Education on Childbearing Postponement: a Qualitative Study among Female Students in Tehran Universities. *Socio-Cultural Strategy*, 5(3), 167-190. (in Persian).
- rostami, M., & imani jajarmi, H. (2016). Study of Unemployment from Perspective of Rural the Unemployed and It'S Consequences (Case Study: Hassan Abad Village, Delfan). *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 11(1), 73-102. (in Persian).
- Saroukhani, B., & Rafat Jah, M.. (2002). Women and Redefinition of Social Identity. *Iranian Journal of Sociology (ISA)*, 4(2), 133-160. (in Persian).
- Western, B., Bloom, D., Sosnaud, B., and L. Tach (2012) "Economic Insecurity and Social Stratification", *Annual Review of Sociology*, 38, 341-359.